

## ORIGINAL ARTICLE

# Grammatical and rhetorical use of adjectives in Hashtbehesht by Amir Khosrow Dehlavi

Faezeh Arab Yousefabadi<sup>1</sup>, Noshin Hassani<sup>2</sup>

1. Associate Prof of Persian language and literature, Faculty of Letters & humanities University of Zabol, Zabol, Iran.

2. M.Sc. of Persian language and literature, Faculty of Letters & humanities University of Zabol, Zabol, Iran.

Correspondence:

Faezeh Arab Yousefabadi

Email: [famoarab@uoz.ac.ir](mailto:famoarab@uoz.ac.ir)

Receive:2024/03/23

Accepted:2024/07/18

### How to cite:

Arab Yousefabadi, F.; Hassani, N. (2024). Grammatical and rhetorical use of adjectives in Hashtbehesht by Amir Khosrow Dehlavi, *Applied Rhetoric and Rhetorical Criticism*, 17 (1), 1-11.

DOI:[doi.org/10.30473/prl.2025.70884.2116](https://doi.org/10.30473/prl.2025.70884.2116)

## ABSTRACT

In Persian grammar, the “adjective” is a word that reveals the quality, state, or attribute of its noun, manifesting in two essential domains: grammar and rhetoric. At the grammatical level, the adjective serves as a descriptive device with a fixed syntactic role. In the rhetorical domain, however, the adjective transcends this framework, becoming a key instrument of literary artistry by intertwining with rhetorical devices such as simile, metaphor, allusion, pun, and kenning. In the Hashtbehesht masnavi, Amir Khosrow Dehlavi employs adjectives extensively and skillfully, not only to produce vivid imagery and rhythmic language but also to imbue his verse with distinction and eloquence through rhetorical craftsmanship. This study, conducted using a library-based method and a descriptive–analytical approach, extracts all types of adjectives in the work, classifying and analyzing them across both domains. Statistical findings reveal that, in grammar, demonstrative adjectives occur most frequently, followed by active participial, simple, and relative adjectives. In rhetoric, simile-based adjectives have the highest frequency, with metaphor, kenning, and other rhetorical forms following. Overall, the research demonstrates that in Hashtbehesht, the adjective is not merely a grammatical unit but a central rhetorical element for generating imagery, evoking emotion, and enhancing the musicality of the poetic discourse.

## KEYWORDS

Adjective, Rhetoric, Literary Devices, Hashtbehesht, Amir Khosrow Dehlavi.



«مقاله پژوهشی»

## کاربرد دستور زبانی و بلاغی صفت در هشت بهشت امیر خسرو دهلوی

فائزه عرب یوسف آبادی<sup>۱</sup>، نوشین حسانی<sup>۲</sup>

### چکیده

«صفت» در دستور زبان فارسی واژه‌ای است که ویژگی، حالت یا کیفیت موصوف را آشکار می‌سازد و در دو حوزه اساسی جلوه‌گر می‌شود: حوزه دستور زبان و حوزه بلاغت. در سطح دستور زبانی، صفت به عنوان ابزار توصیف، جایگاه مشخص و کارکرد نحوی معینی دارد. در حوزه بلاغت، صفت از این چارچوب فراتر می‌رود و با پیوند خوردن به آرایه‌هایی؛ چون تشبیه، استعاره، کنایه، تلمیح و جناس، به آفرینش تصویری و هنری متن یاری می‌رساند. امیر خسرو دهلوی در منظومه «هشت بهشت» با بهره‌گیری گسترده و هوشمندانه از صفات، علاوه بر این که تصویرگری دقیق و زبانی آهنگین خلق کرده است، از طریق صنایع بلاغی، به کلام خویش تشخیص و برجستگی خاص بخشیده است. این پژوهش، به روش کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی-تحلیلی، انواع صفات در این اثر را استخراج و در دو حوزه یادشده طبقه‌بندی و تحلیل کرده است. نتایج آماری نشان می‌دهد که در حوزه دستور زبان، صفت اشاره بیشترین بسامد را دارد و پس از آن، انواع صفات فاعلی، ساده، نسبی و دیگر گونه‌ها قرار می‌گیرند. در حوزه بلاغت نیز صفات‌های با کارکرد تشبیهی بیشترین کاربرد را داشته است و پس از آن، استعاره، کنایه و سایر آرایه‌های ادبی جای می‌گیرند. برآیند این مطالعه نشان می‌دهد که صفت در «هشت بهشت» هم ابزاری دستوری، بلکه مهم‌ترین عنصر بلاغی برای خلق تخیل، تصویر و موسیقی کلام است.

### واژه‌های کلیدی

صفت، بلاغت، آرایه‌های ادبی، هشت بهشت، امیر خسرو دهلوی

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه زابل، زابل، ایران.
۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه زابل، زابل، ایران.

نویسنده مسئول:

فائزه عرب یوسف آبادی

رایانامه: famoarab@uoz.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۸

### استناد به این مقاله:

عرب یوسف آبادی، فائزه؛ حسانی، نوشین (۱۴۰۳). کاربرد دستور زبانی و بلاغی صفت در هشت بهشت امیر خسرو دهلوی. دوفصلنامه علمی بلاغت کاربردی و نقد بلاغی، ۱۷ (۱)، ۱-۱۱  
doi.org/10.30473/prl.2025.70884.2116



## مقدمه

صفت واژه‌ای است که موصوف خود را مقید می‌کند و توضیحی درباره آن می‌دهد. صفت به‌عنوان یک مقوله در دستور زبان برای چگونگی و حالت اسم وضع شده است (انوری - گیوی، ۱۳۹۹، ۱۴۴). صفت در دستور زبان فارسی به صورت‌های مختلف تقسیم شده است که از جهت مفهوم به صفت فاعلی، اشاره، شمارشی، پرسشی، تعجبی و مبهم. از نظر تقدم و تاخر به پیشین و پسین و از نظر ساخت به ساده و مرکب و گروه وصفی تقسیم می‌شود. و با کارکردهای هنری و زبانی نقش مهمی در اثرگذاری یک متن به‌ویژه شعر دارد. «صفت اگر از منظر دستور زبان مورد بحث قرار بگیرد. adjective و اگر از دیدگاه هنری و بلاغی نگریده شود، وصف یا epithet نامیده می‌شود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶، ۵۶۶).

علاوه بر این، صفت‌ها دارای ارزش‌هایی بلاغی هستند که سبب آراستگی، زیبایی و اثرگذاری جمله و یا شعر می‌شود. «صفت شاعرانه به ایفای یک نقش دستوری و یک نقش زیبایی‌شناسانه می‌پردازد» (فتاحی و همکاران، ۱۳۸۹، ۵). کارکرد هنری صفت که در بلاغت فرنگی به آن epithet می‌گویند، در زبان شعر دارای مقام برجسته‌ای است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۲۹). برای اولین بار شفیع کدکنی در کتاب صور خیال (۱۳۸۶: ۴۶۱) و آثارش دیگرش از جمله این کیمیای هستی در مبحث حافظ (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۶: ۸۳ و ۱۹۸) بحث آرایه‌سازی صفت را بیان کرده است.

## بیان مسئله

هشت‌بهشت یکی از منظومه‌های داستانی از نوع غنایی و بزمی است که امیرخسرو دهلوی آن را به‌عنوان نظیره‌ای بر هفت‌پیکر نظامی گنجوی سروده است. پرداختن به واقعه نگاری، مضامین نو، ایجاز و اطناب و توصیف طبیعت، همچنین بهره‌گیری از آرایه‌های متنوع ادبی از ویژگی‌های منظومه «هشت‌بهشت» است. هر چند این منظومه اثر تقلیدی است اما از ابتکار و نوآوری خالی نیست و زبان او با زبان نظامی گنجوی تفاوت دارد. زبان امیرخسرو در این اثر روان، شیرین و صمیمی می‌باشد. به کارگیری الفاظ آهنگین، بیان شیوا و سادگی زبان از ویژگی‌های سبکی این منظومه می‌باشد. طبع روان شاعر هنگامی که با داستان‌ها و افسانه‌های جدید همراه می‌شود این منظومه را به یکی از مثنوی‌های قابل توجه زبان فارسی تبدیل می‌کند که از اغلب ظرفیت‌های زبان بهره‌برده است. در این منظومه مانند

هفت‌پیکر نظامی، از بهرام‌گور به عنوان داستان محوری استفاده شده است. امیرخسرو داستان فتنه و بهرام را به عنوان اولین داستان انتخاب نمود و هشت داستان را به عنوان هشت‌بهشت به جای هفت‌پیکر برای اثر خود انتخاب کرده است. این جستار در پی پاسخ‌دادن به این سؤال است که کاربردهای مختلف دستور زبانی و بلاغی صفت در هشت‌بهشت امیرخسرو دهلوی کدام است؟

## اهداف و ضرورت پژوهش

دهلوی به هنگام سرایش هشت‌بهشت در پردازش صفت‌ها چنان هنرنمایی کرده و توان و علاقه خود را در استفاده از شگردهای بلاغی صفت در آفرینش‌های ادبی به خواننده نشان داده است که در این اثر تقلیدی دارای تشخیص زبانی شده است. صفات هنری و بلاغی یکی از عوامل مؤثر در نوآوری‌های تصویری و ایجاد سبک داستان‌پردازی توصیفی تصویری در این اثر است. با توجه به این ویژگی‌ها بررسی کارکرد هنری و زبانی صفت در هشت‌بهشت امیرخسرو دهلوی هدف این پژوهش است. با توجه به اهمیت صفت، در شناخت سبک و شگردهای هنر شاعری امیرخسرو دهلوی و با توجه به فقدان تحقیقی بنیادین که از این منظر به کتاب هشت‌بهشت بپردازد، اهمیت و ضرورت این پژوهش آشکار می‌گردد.

## روش تفصیلی پژوهش

در این پژوهش که به روش یادداشت‌برداری کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده، تلاش شده است تا با استخراج کلیه صفات موجود در این کتاب و طبقه‌بندی آن‌ها در دو حوزه صفت هنری و صفت زبانی و تقسیم هر حوزه به زیرشاخه‌های مرتبط با آن و آمارگیری همه موارد کارکردهای زبانی و بلاغی صفت در هشت‌بهشت امیرخسرو دهلوی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

## پیشینه پژوهش

در زمینه معرفی کتاب هشت‌بهشت و بررسی آن، آثار متعددی انجام شده است؛ از جمله: یلمه‌ها، احمدرضا و ذبیح‌نیا، آسیه (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی و تحلیل مضامین تعلیمی در منظومه عاشقانه هشت‌بهشت» مضامین مرتبط با ادبیات تعلیمی را از این منظومه معرفی کرده‌اند. ذبیح‌نیا در پژوهشی دیگر (۱۳۹۸) با عنوان «زنی آرمانی و اثیری در منظومه عاشقانه هشت‌بهشت

آثار پژوهشی چه در قالب مقاله و چه در قالب پایان‌نامه و کتاب به منظومه هشت‌بهشت از این منظر نپرداخته است.

### بحث و بررسی

صفت از عناصر مهم خلق زبان شاعرانه است که بیش از عناصر دیگر زبان بازتاباننده عاطفه و نوع برخورد شاعر با پدیده‌ها و اشیاء است. شاعران برای بیان عواطف خویش خود از صفت به عنوان یک ابزار قوی بهره می‌گیرند تا نکات پوشیده ذهنی خویش را آشکار کنند. در آثار ادبی، به ویژه شعر، صفات علاوه بر آنکه از حیث دستور زبان اهمیت دارند، از لحاظ هنری و زیبایی‌شناسی نیز مهم هستند. یکی از ویژگی‌های بارز سبک امیرخسرو دهلوی، وجود صفات متعدد در توصیفات چشمگیر او در هشت‌بهشت است که مملو از صفات دستور زبانی و بلاغی است که در ادامه به طبقه‌بندی و معرفی مصادیق هر یک می‌پردازیم:

### الف- حوزه دستور زبان

مجموعه قواعدی که در هر زبانی درست گفتن و درست نوشتن به آن زبان را می‌آموزد، دستور زبان نام دارد (خیام‌پور، ۱۳۸۴: ۱۵). در حوزه دستور زبان هر گروه اسمی از یک اسم یا ضمیر یا صفت جانشین اسم به عنوان هسته و یک یا چند وابسته پیشین و پسین ساخته می‌شود. وجود هسته در گروه اسمی اجباری است؛ اما وجود وابسته اختیاری می‌باشد (باطنی، ۱۳۸۴: ۱۴۶). از دیگر سو، هر کلمه‌ای که اسم را مقید می‌کند و چگونگی و حالت اسمی دیگر یا جانشین اسم را بیان کند، «صفت» نامیده می‌شود. همچنین، اسمی که صفت چگونگی و حالتش را بیان کرده است، «موصوف» نام دارد (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۸۹: ۱۳۸؛ خیام-پور: ۷۵). از نظر قرارگیری صفت نسبت به اسم، می‌توان آن را در دو دسته صفت پیشین و صفت پسین قرار داد (وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۹۹: ۶۸). به این ترتیب صفات‌های اشاره، پرسشی، تعجبی، مبهم، شمارشی اصلی، صفت شمارشی ترتیبی (با پسوند -مین) و صفت عالی جز وابسته‌های پیشین اسم و صفات‌های شمارشی ترتیبی (با پسوند -م) و بیانی، از وابسته‌های پسین اسم هستند (همان). در ادامه به معرفی هر یک از این صفات با بیان مصادیقشان در منظومه هشت‌بهشت می‌پردازیم.

### صفات پیشین

این نوع صفت، پیش از هسته گروه اسمی می‌آید (باطنی، ۱۳۸۴: ۱۴۸). انواع صفات پیشین عبارت است از:

امیرخسرو» به بررسی وضعیت زنان در منظومه عاشقانه هشت‌بهشت امیرخسرو دهلوی پرداخته است. موسوی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان نقد زیباشناختی داستان روز چهارشنبه منظومه هشت‌بهشت امیرخسرو دهلوی» عناصر ساختاری همچون موسیقی و تخیل را در این داستان مورد واکاوی و تحلیل قرار داده است. رشوند، فاطمه (۱۳۹۸). در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی باورهای عامیانه در هشت‌بهشت امیرخسرو دهلوی» در مقطع کارشناسی ارشد، عناصر مختلف داستان را از منظر ادبیات عامه مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. ستوده، آزاده و پاکدل، مسعود (۱۴۰۰). نیز در مقاله «تحلیل تطبیقی شخصیت‌پردازی زنان در منظومه هفت‌پیکر نظامی و هشت‌بهشت امیرخسرو دهلوی» به بررسی تطبیقی شیوه‌های مختلف شخصیت‌پردازی زنان در این منظومه پرداخته‌اند.

از دیگر سو، درباره بنیاد نظری پژوهش حاضر تحقیقاتی انجام شده است. برای اولین بار شفیع کدکنی در کتاب صور خیال (۱۳۸۶: ۴۶۱) و آثارش دیگرش از جمله این کیمیای هستی در میحث حافظ (۱۳۹۶: ۸۳ و ۱۹۸) در این باره مطلب نگاشته است. غنی پور ملک‌شاه و همکارانش (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «تشبیه و توصیف، دو ویژگی سبکی شعر ابتهاج»، به بیان ویژگی‌های تشبیه و توصیف در شعر ابتهاج پرداختند و شرایط هنری شدن صفت را بیان کرده‌اند.

خانپان (۱۳۹۹) در مقاله «صفت هنری در بوف کور صادق هدایت»، کارکردهای هنری این موضوع را به صورت تشبیه، استعاره، کنایه، تشخیص و ... نشان داده است. علی‌رغم ارائه تعریف در مبانی نظری این پژوهش، پژوهشگر به نقد آرا نپرداخته است. حسین‌پور سرکاریزی (۱۳۹۵) در مقاله «ارزش بلاغی و زیباشناسی صفت»، بدون ارجاع به منابع، از جمله آثار شفیع کدکنی و دیگر پژوهش‌ها، برخی از کاربردهای صفت هنری را از متن‌های فارسی نقل کرده است. دهرامی (۱۳۹۴) در مقاله «نقش‌های هنری صفت در ایجاد زبان ادبی، تصویرسازی و کیفیت عاطفه و اندیشه در شعر شاملو»، نقش صفات را از لحاظ دستوری در سه سطح بلاغی، زبانی و فکری بررسی کرده است. قبادی یآوری و اسکندری، (۱۳۹۳)، در مقاله «بلاغت صفت، بررسی کارکردهای بلاغی صفت فاعلی در کلیات سعدی» به بررسی کارکردهای بلاغی صفت فاعلی چون مبالغه، ایجاز و ... در آثار سعدی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که در قرائت متون باید به همه اجزای آن نگاهی ژرف داشت تا معانی صحیح متون به دست آید. پیشینه فوق نشان می‌دهد که تاکنون هیچ یک از

### الف. صفت اشاره

پرکاربردترین نشانه‌های اشاره این و آن هستند اگر این دو کلمه به همراه صفت بیابند، صفت اشاره شناخته می‌شوند (وحیدیان کامیار و عمرانی: ۶۸). این نوع از صفت‌های حوزه دستور زبان ۴۸۶ بار در منظومه هشت‌بهشت دیده شد. در ادامه به ذکر یک مصداق از صفت اشاره در منظومه هشت‌بهشت می‌پردازیم:

نغز گفت: آن حکیم دوراندیش که هنر هرچه بیش دشمن بیش (دهلوی: ۶۱۹).

### ب. صفت شمارشی

اعداد برای شمارش اسم به کار می‌روند و ترتیب یا شماره آن را مشخص می‌کنند. اسمی که بعد از عدد می‌آید محدود نامیده می‌شود (وحیدیان کامیار و عمرانی: ۶۸). انواع صفت شمارشی از حوزه دستور زبان ۳۱۶ بار در منظومه هشت‌بهشت تکرار شده است. به نمونه زیر از منظومه هشت‌بهشت بنگرید:

چار یارش به چهارسوی یقین چهار رکن و چهار صفه دین (دهلوی: ۵۷۸).

### ج. صفت مبهم

صفتی است که در کنار اسم، نوع و چگونگی یا شماره و مقدار آن را به شکل نامعین نشان می‌دهد. معروف‌ترین این صفات: فلان، چند و... است (وحیدیان کامیار و عمرانی: ۶۹). این نوع از صفت‌های حوزه دستور زبان ۳۷۳ بار در منظومه هشت‌بهشت دیده شد. در ادامه به ذکر یک مثال از صفت مبهم در منظومه هشت‌بهشت می‌پردازیم:

مردی آمد که در فلان کهسار بر درختیش مانده بود مه‌ار (دهلوی: ۶۰۹).

### د. صفت پرسشی

صفت‌هایی است که با آنها از نوع، چگونگی و مقدار موصوف جو‌یا می‌شوند؛ مانند چه، چگونه، چند؟ (وحیدیان کامیار و عمرانی: ۶۸). این نوع از صفت‌های حوزه دستور زبان ۱۲۶ بار در منظومه هشت‌بهشت دیده شد. یک نمونه از صفت‌های پرسشی در منظومه هشت‌بهشت:

زو طلب کرد ماجرای نهفت که گلت از کدام باغ شکفت؟ (دهلوی: ۶۶۲).

### ه. صفت عالی

صفت عالی یا برترین صفتی است که با طبقه‌ای از افراد یا امور مقایسه می‌شود و نسبت به آن‌ها بیشتر یا کمتر است. نشانه صفت عالی پسوند «ترین» است که به پایان اسم اضافه می‌شود (وحیدیان کامیار و عمرانی: ۶۹). این نوع از صفت‌های حوزه

دستور زبان ۹۶ بار در منظومه هشت‌بهشت دیده شد. یک مثال از صفت‌های برترین در منظومه هشت‌بهشت:

زعفرانی عجب‌ترین رنگ است گونه عاشقان بی‌سنگ است (دهلوی: ۶۲۶).

### و. صفت تعجبی

این صفت‌ها به همراه اسم می‌آیند و بر تعجب گوینده یا موصوف از چگونگی و مقدار موصوف دلالت می‌کنند. این کلمات عبارتند از: عجب، چگونه، چه، چقدر (وحیدیان کامیار و عمرانی: ۶۹). این نوع از صفت‌های حوزه دستور زبان ۶۴ بار در منظومه هشت‌بهشت دیده شد. به نمونه زیر از منظومه هشت‌بهشت بنگرید:

هست گرمابه‌ای ز وضع حکیم سیمیا خانه‌ای عجب تقسیم (دهلوی: ۶۵۲).

### صفات پسین

این نوع صفت، پس از هسته گروه اسمی می‌آید (وحیدیان کامیار و عمرانی: ۱۳۹۹: ۶۸) و شامل موارد زیر است:

#### الف. صفت فاعلی

صفت فاعلی وصف انجام‌دهنده کار است (شریعت، ۱۳۶۷: ۲۶۶). این نوع صفت با بن ماضی یا بن مضارع به علاوه پسوندهایی مثل «ان»، «ا»، «ار»، «ار»، «گر» و «نده» ساخته می‌شوند (وحیدیان کامیار و عمرانی: ۶۸). گاهی این پسوندها پس از بن مضارع حذف می‌گردد. این نوع از صفت‌های حوزه دستور زبان ۵۵۰ بار در منظومه هشت‌بهشت دیده شد. در ادامه به ذکر یک مصداق از صفت فاعلی در منظومه هشت‌بهشت می‌پردازیم:

جز که دارا کرا بود یارا که درآید به پرده دارا (دهلوی: ۶۱۳).

#### ب. صفت ساده

صفت‌هایی مثل؛ خوب، گرم و ... ساده است؛ زیرا از یک تکواژ ساخته می‌شوند (وحیدیان کامیار و عمرانی: ۶۸). این نوع از صفت‌های حوزه دستور زبان ۴۵۲ بار در منظومه هشت‌بهشت دیده شد. به نمونه زیر از منظومه هشت‌بهشت بنگرید:

کوکب آرای آسمان بلند هم زمین ساز و هم فلک پیوند (دهلوی: ۵۷۵).

#### ج. صفت نسبی

صفت‌هایی است که به کسی، جایی، جانوری و یا چیزی نسبت داده شوند. این صفت‌ها با اضافه شدن پسوندهای «ی»، «ین»، «ینه»، «ای» بیان حرکت، گان، انه، انی، چی»، به آخر اسم یا صفت و به

ندرت ضمیر، ساخته می‌شوند (وحیدیان کامیار و عمرانی: ۶۸). این نوع از صفت‌های حوزه دستور زبان ۲۳۴ بار در منظومۀ هشت‌بہشت دیده شد. به صفات نسبی زیر از منظومۀ هشت‌بہشت بنگرید:

بسته از خیزران و صندل طاق      صندلی ران و خیزرانی ساق  
(دہلوی: ۶۹۳).

#### د. صفت برتر

صفتی است که موصوفش تنها بر یک امر، برتر یا کمتر است. این صفت با افزودن پسوند «تر» به آخر صفت ساخته می‌شود (وحیدیان کامیار و عمرانی: ۶۸). این نوع از صفت‌های حوزه دستور زبان ۱۵۸ بار در منظومۀ هشت‌بہشت دیده شد. چند نمونه از صفت‌های برتر در منظومۀ هشت‌بہشت:

گرچه گوهر ز سنگ نیکتر است      سنگ مردم نکوتر از گهر است  
(دہلوی: ۵۹۰).

#### ه. صفت مفعولی

این صفت از ترکیب بن ماضی به علاوه «ه» ساخته می‌شود (وحیدیان کامیار و عمرانی: ۱۳۹۹: ۶۸). این نوع از صفت‌های حوزه دستور زبان ۱۳۶ بار در منظومۀ هشت‌بہشت دیده شد. یک نمونه از صفت‌های مفعولی در منظومۀ هشت‌بہشت:

در شدند از کریچ دھقانی      در سفال شکسته ریحانی  
(دہلوی: ۵۹۷).

#### و. صفت لیاقت

این نوع از صفت نشان‌دهندۀ لیاقت و ارزش موصوف (اسم) است و معمولاً با افزوده شدن «ی» به پایان مصدر فارسی ساخته می‌شود (وحیدیان کامیار و عمرانی: ۶۸). این نوع از صفت‌های حوزه دستور زبان ۷۲ بار در منظومۀ هشت‌بہشت دیده شد. در ادامه به ذکر یک مصداق از صفت لیاقت در منظومۀ هشت‌بہشت می‌پردازیم:

چون دل از کار دیدنی پرداخت      از پی خواب سوی بستر تاخت  
(دہلوی: ۶۱۸).

### ب- حوزه بلاغت

دانش بلاغت یکی از مهمترین ابزارهای شناخت زبان ادبی در سه حوزه معانی، بیان و بدیع است (همایی، ۱۳۷۰: ۱۲). در این حوزه، صفت یکی از مهمترین ابزار شاعر برای آفرینش زبان ادبی است؛ زیرا می‌تواند در توصیف شاعرانه و انواع صورخیال نقش قابل توجهی داشته باشد. این نوع صفت علاوه بر نقش دستوری از نقش زیبایی‌شناسانه نیز برخوردار است؛ یعنی «علاوه بر نقشی

که در سیر منطقی و دستورمند زبان عبارت دارد، توام با ظرافت و دقت‌های هنری نیز هست» (فتاحی، پرنیان، سالمیان، ۱۳۹۸: ۸۴). صفت‌هایی که علاوه بر نقش دستوری، ابزار آفرینش هنری نیز می‌شوند، بر ارزش سخنان می‌افزایند و روح مخاطب را با توصیفاتی شگفت‌انگیز و شاعرانه تلطیف می‌بخشند (فرشیدورد، ۱۳۷۴: ۱۹۶). یکی از شگردهای زبانی دہلوی در منظومۀ هشت‌بہشت، آوردن چنین صفاتی برای برجسته‌سازی کلام و ارائه هوشمندانۀ تصاویری قوی در توصیفاتی شاعرانه است. در ادامه به معرفی مصداق کارکردهای متعدد این صفات هنری در هشت‌بہشت می‌پردازیم:

#### الف. تشبیه

تشبیه در لغت به معنای مانند کردن است و در اصطلاح بیان شباهت‌های دو چیز متفاوت است که در صورت بازگونه کردن آن، معنا تباه نشود (رادویانی، ۱۳۸۰: ۱۵۰). تشبیه در هشت‌بہشت هسته اصلی و مرکزی اغلب خیال‌های شاعرانه است. در بخش‌هایی از این منظومه، دہلوی با تأکید بر ویژگی‌های مشترک بین صفت و موصوف، موصوف را به صفت مانند می‌کند و به صفت شاعرانه، کارکرد تشبیهی می‌بخشد. این نوع از صفت‌های حوزه بلاغی ۱۹۲ بار در منظومۀ هشت‌بہشت دیده شد. در این نمونه‌ها با استفاده از صفت بر جزئیات بصری، حسی و فضا سازی از طریق نمودهای عینی و افزایش زیبایی‌شناختی اثر از طریق توصیفات بصری تمرکز شده است. به نمونه زیر از صفت‌های تشبیه‌ساز این منظومه بنگرید:

صنم لاله رخ دگر باره      بر سر حوض شد به نظاره  
(دہلوی: ۶۸۶).

در نمونه فوق صفت «لاله رخ» که با تشبیه امتزاج یافته‌است، دارای ماندگاری مبتنی بر کذب است که با اغراق همراه است؛ به عبارت دیگر این صفت در جایگاه مشبه به قرار گرفته‌است تا دو چیز که در واقع به یکدیگر شبیه نیستند یا شباهتی آشکارا ندارند، به هم مانند شوند (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۱۸۱).

#### ب. استعاره

استعاره نامیدن چیزی است به نامی جز نام اصلی‌اش، هنگامی که جای آن چیز را گرفته باشد؛ به عبارت دیگر استعاره نوعی مجاز لغوی بر مبنای تشبیه است که با مقداری ابهام و پیچیدگی، به مخاطب عرضه می‌شود (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۱۱۱). این ابهام توام با مسرت زمانی که حاصل امتزاج با صفات باشد، زیبایی آفرینی مضاعفی دارد؛ این نوع از صفت‌های حوزه بلاغی ۶۶ بار در منظومۀ هشت‌بہشت دیده شد. تنوع حضور این صفت‌ها در

### د. تلمیح

تلمیح در لغت به معنی نگاه تند و آنی به چیزی افکندن و اشاره کردن با گوشه چشم است. در اصطلاح ادبی، اشاره کردن به داستان یا مثلی مشهور، آیات قرآن، احادیث، شخصیت‌های اساطیری، داستان پیامبران و امثال این‌ها در شعر یا نثر است. «در ژرف ساخت این آرایه تشبیه و تناسب وجود دارد؛ زیرا اولاً ایجاد رابطه تشبیهی بین مطلب و داستانی است و ثانیاً بین اجزای داستان، تناسب وجود دارد» (شمیسا، ۱۳۶۸: ۹۰). در بخش قابل توجهی از ابیات هشت‌بهشت، تلمیح در لفافه صفات و تصویرهای هنری پیچیده می‌شود تا سخن با چاشنی مبالغه، خیال‌انگیز و گیرا تر شود. تصاویری که این صفات در ذهن می‌آفرینند، معنایی بیشتر از شکل صریح بیان مفاهیم را به مخاطب انتقال می‌دهند. این نوع از صفت‌های حوزه بلاغی ۳۷ بار در منظومه هشت‌بهشت دیده شد. به نمونه زیر از صفت‌های تلمیح‌ساز این منظومه بنگرید:

سوم آن جامع جریده پاک چاشنی‌گیر خوان ارسلناک  
(دهلوی: ۵۷۹).

در مصرع دوم این بیت صفت «چاشنی‌گیر» از طریق اضافه تشبیهی، به واژه اَرسلَنَک از آیه «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» با واسطه خوان ترکیب شده است. شاعر با این کاربرد خلاقانه، خیال‌انگیزی و ارزش بلاغی تلمیح را افزایش داده و تلمیحی مبتنی بر اضافه تشبیهی ایجاد کرده است، به نحوی که درک وجه شبه موقوف به درک تلمیح و ارتباط آن با صفت چاشنی‌گیر است. همین امر کارکرد ایجاد تلمیح را برجسته کرده است تا صفت به یاری تلمیح و تشبیه سبب مشارکت فعالانه مخاطب در روند خیال‌انگیزی شعر شود.

### ه. جناس

آرایه جناس، آوردن دو کلمه یا کلماتی است که ظاهری شبیه به هم داشته باشند؛ اما در معنا با هم تفاوت داشته باشند. جناس حداقل بین دو کلمه است که به آن‌ها ارکان جناس یا پایه‌های جناس گفته می‌شود (شمیسا، ۱۳۶۸: ۴۹). امیرخسرو دهلوی در منظومه هشت‌بهشت با استفاده از ظرفیت‌های جناس‌سازی با صفت علاوه بر این که شعرش را برخوردار از غنای موسیقایی کرده، آهنگ و عاطفه شعری را در کلام خویش برجسته کرده است. این نوع از صفت‌های حوزه بلاغی ۳۳ بار در منظومه

هشت‌بهشت سبب تنوعی در تصاویر و تجسم‌های عینی شده که متعادل با سایر اجزای شعر به نمایش درآمده است و شعر را برخوردار از زبانی غنی و قدرتمند کرده است تا مخاطب را در تجربه زیبایی‌های طبیعت غرق کند. به نمونه‌های زیر که شاعر به یاری صفت، استعاره را برجسته کرده است، بنگرید:

باده بر روی سرخ گل می‌خورد تا فرورفت زآسمان گل زرد  
(همان: ۶۱۵).

در بیت فوق، صفت «زرد» در کنار گل، استعاره‌ای از خورشید است. در این جا گویی مشابه از میان برخاسته است و حضور این صفت یاریگر ذهن مخاطب جهت ارتباط بین مستعارمنه و مستعارله است.

### ج. کنایه

کنایه در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح، سخنی است که دارای دو معنی باشد که معنی نزدیک آن حقیقی و معنی دور آن مجازی باشد، به طوری که این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگر باشند تا شخص با اندکی تأمل معنی دوم را که لازمه معنی اول است، درک کند (شمیسا، ۱۳۷۰: ۲۶۵).

با نگرش به صفاتی که در هشت‌بهشت کنایه را می‌سازد، مشخص می‌شود که این صفت‌ها حاوی کنایه‌ای هستند که تصویری شاعرانه با خود دارد؛ به عبارت دیگر بخش قابل توجهی از مفاهیم کنایی این منظومه با صفاتی ساخته شده که بتوان برای درک معنای لغزان و شناور، به رابطه بین مفهوم و واژه پی برد تا با بخشیدن موهبت بُعد و تداعی به سخن، امکانات بیان ادبی آن افزوده گردد. این نوع از صفت‌های حوزه بلاغی ۴۹ بار در منظومه هشت‌بهشت دیده شد. نمونه زیر گواه خوبی است بر این مدعا:

چون شدی باد صبح نافه‌گشای برنشستی به رخس آهو پای  
(دهلوی: ۵۹۸).

در این بیت نافه‌گشای، صفتی است که کنایه از خوشبویی باد صبح است و رابطه صفت و تصویر برگرفته از آن ملازم است. صفت نافه‌گشای بایسته‌ای در خود دارد که در عالم امکان هم شدنی است و هم ممکن. دهلوی از رهگذر کنایه این صفت را تبدیل به اسلوبی دلکش کرده است که به عمق بخشیدن کلامش کمک شایانی کرده است. شنونده پس از شنیدن غیرمستقیم معانی صریح مورد نظر شاعر با توجه به زمینه‌ای فرهنگی که زیر لایه ظاهری و لفظی کنایه قرار دارد، در برداشت معنا مشارکت می‌کند.

هشت‌بهشت دیده شد. به نمونه زیر که صفت‌های دارای جناس دارد، بنگرید:

مه سپهر منورش خوانده      دین علای مصورش خوانده  
(همان: ۵۸۳).

در نمونه فوق تلفیق صفات با جناس از یک سو سبب ایجاد موسیقی در کلام شده و از سویی دیگر، بر ابعاد ظاهری و زیباشناسانه موصوف تأکید می‌کند و تسلط دهلوی را در استفاده از صفات هم آوا با دلالت معنایی متفاوت، نشان می‌دهد.

### و. نغمه‌آرایی

نغمه‌آرایی یا واج‌آرایی تکرار یک یا چند واج صامت یا مصوّت در شعر یا در نثر است؛ به گونه‌ای که آفریننده موسیقی درونی باشد و بر تأثیر شعر بیفزاید (شمیسا، ۱۳۶۸: ۵۹). امیر خسرو دهلوی در منظومه هشت‌بهشت با استفاده از ظرفیت‌های صفت در نغمه‌آرایی، شعرش را برخوردار از غنای موسیقایی کرده است. هنری کردن صفات از طریق واج‌آرایی نشانه روابط صوری خوبی در سخن اوست که سبب شده است بتواند با بهره‌گیری از هم صدایی حاصل از آواهای صفات، رستاخیزی میان کلمات ایجاد کند که علاوه بر به اوج رساندن موسیقی شعر، تشخیص و برجستگی قابل ملاحظه‌ای به آن بدهد. این نوع از صفت‌های حوزه بلاغی ۲۹ بار در منظومه هشت‌بهشت دیده شد. به نمونه زیر که صفت‌های دارای نغمه‌آرایی دارد، بنگرید:

هر که بد بیندت چو بدبینان      دوزخی باد همچو بی‌دینان  
(دهلوی: ۶۲۷).

در این بیت دهلوی با تکرار آواهای «ب، د» در دو صفت «بدبین و بی‌دین» و آواهای «ب، د» در واژه‌های «بد، بیندت، باد» ضرب آهنگ طبیعی و دلنشینی را به پیکره شعر خویش دمیده و موجب انسجام هنری واژگان و درهم‌تنیدگی صورت و معنا شده است.

### ز. پارادوکس

«پارادوکس شاعرانه بیانی به‌ظاهر متناقض یا مهمل؛ اما دارای حقیقتی است که از راه تأویل می‌توان به آن دست‌یافت؛ به عبارت دیگر، می‌توان گفت پارادوکس در ادبیات بیانی است که حقیقت دارد؛ اما حقیقی به نظر نمی‌رسد.» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۳۲۷). در بخش‌های از هشت‌بهشت یک صفت با متضاد خود ترکیب می‌شود و متناقض‌نمایی ایجاد می‌کند که دو طرف این ترکیب به لحاظ مفهوم یکدیگر را نقض می‌کنند؛ اما حقیقت دارند. این نوع از صفت‌های حوزه بلاغی ۱۹ بار در منظومه هشت‌بهشت

دیده شد. به نمونه زیر از صفت‌های ایجادکننده متناقض‌نما بنگرید:

بانوی آبدار آتش‌روی      ریخت در ساغر آب آتش‌خوی  
(دهلوی: ۳۲۰۶).

در بیت فوق با تصویری دووجهی از اجتماع دو مفهوم متضاد مواجه هستیم. ترکیب «آب آتش‌خوی»، صفت هنری به وجود آورده است، برای آب صفت آتشین بودن ذکر شده است که در واقعیت چنین امری ممکن نیست؛ اما حقیقت دارد.

### ح. تنسيق الصفات

تنسيق الصفات آرایه‌ای است که در لغت به معنی ترتیب دادن است و در اصطلاح ادبیات فارسی آن است که با نظمی خاص برای موصوف واحد صفات متعددی آورده می‌شود و در نثر و نظم به کار می‌رود. این گونه صفت‌ها علاوه بر تجسم بخشیدن به مفاهیم، نقش برجسته‌سازی و بزرگ‌نمایی نیز دارند (خطیبی، ۱۳۶۶: ۹۸). این نوع از صفت‌های حوزه بلاغی ۱۱ بار در منظومه هشت‌بهشت دیده شد. نمونه زیر یکی از مصادیق این آرایه در هشت‌بهشت است:

پسری داشت هوشمند و عزیز      زیرک و کاردان و باتمیز  
(دهلوی: ۶۵۱).

### ط. حس آمیزی

حس آمیزی آرایه‌ای است که از آمیختن دو حس به یکدیگر ایجاد می‌شود (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۱۵). در بخش‌هایی از هشت‌بهشت، دهلوی با استفاده از صفت امور مربوط به حس با حس دیگر را درآمیخته است و تصاویر زیبایی آفریده است. این نوع از صفت‌های حوزه بلاغی ۹ بار در منظومه هشت‌بهشت دیده شد. نمونه زیر یکی از مصادیق این آرایه در هشت‌بهشت است:

تا خبر شد به شهر کوی به کوی زان شکرخواره مرغ شیرین‌گوی  
(دهلوی: ۶۳۳)

در این نمونه با آمیختگی قلمروهای حسی چشایی و شنوایی با استفاده از صفت «شیرین» مواجه هستیم. سخن گفتن به حس شنوایی مربوط می‌شود که شاعر صفت «شیرین» را به آن نسبت داده است.



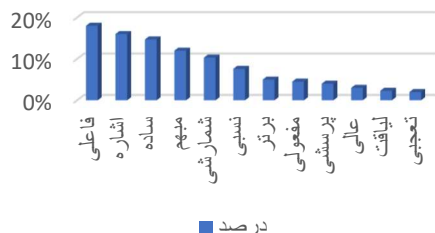
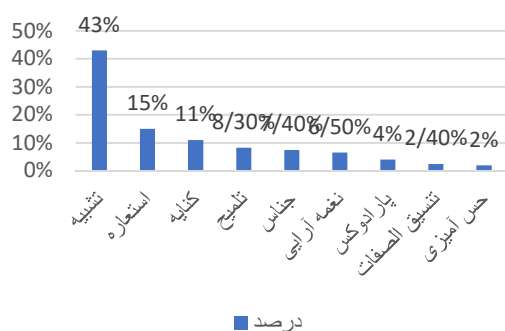
## نمودارها

## جداول

جدول ۱- درصد فراوانی صفات به کار رفته در حوزه دستور

زبان

| انواع  | بسامد | درصد |
|--------|-------|------|
| فاعلی  | ۵۵۰   | ۱۸   |
| اشاره  | ۴۸۶   | ۱۶   |
| ساده   | ۴۵۲   | ۱۴/۷ |
| مبهم   | ۳۷۳   | ۱۲   |
| شمارشی | ۳۱۶   | ۱۰/۳ |
| نسبی   | ۲۳۴   | ۷/۶  |
| برتر   | ۱۵۸   | ۵    |
| مفعولی | ۱۳۶   | ۴/۵  |
| پرسشی  | ۱۲۶   | ۴    |
| عالی   | ۹۶    | ۳    |
| لیاقت  | ۷۲    | ۲/۳  |
| تعجبی  | ۶۴    | ۲    |
| مجموع  | ۳۰۶۳  | ۱۰۰  |

نمودار ۱- درصد فراوانی صفات به کار رفته در حوزه دستور  
زبان

نمودار ۲- درصد فراوانی صفات به کار رفته در حوزه بلاغت

جدول ۲- درصد فراوانی صفات به کار رفته در حوزه بلاغت

| انواع        | بسامد | درصد |
|--------------|-------|------|
| تشبیه        | ۱۹۲   | ۴۳   |
| استعاره      | ۶۶    | ۱۵   |
| کنایه        | ۴۹    | ۱۱   |
| تلمیح        | ۳۷    | ۸/۳  |
| جناس         | ۳۳    | ۷/۴  |
| نغمه آرای    | ۲۹    | ۶/۵  |
| پارادوکس     | ۱۹    | ۴    |
| تنسيق الصفات | ۱۱    | ۲/۴  |
| حس آمیزی     | ۹     | ۲    |
| مجموع        | ۴۴۵   | ۱۰۰  |

نمودار ۳- مقایسه نسبت درصد فراوانی صفات در حوزه دستور  
زبان به حوزه بلاغت

### نتیجه‌گیری

برآیند تحلیل‌های این پژوهش روشن ساخت که «صفت» در منظومه «هشت‌بهشت» امیر خسرو دهلوی، کارکردی دوگانه و در عین حال هم‌پیوند دارد؛ بدین معنا که در حوزه دستور زبان، وظیفه اصلی صفت توصیف موصوف و مقید ساختن معنای آن است، اما در حوزه بلاغت، صفت به ابزار آفرینش هنری، تصویرسازی و برانگیختن حس زیبایی‌شناختی مخاطب بدل می‌شود. نتایج آماری نشان داد که در بخش دستور زبانی، بسامد بالای صفات اشاره، شمارشی، مبهم، پرسشی، عالی و تعجبی در صفات پیشین و نیز فاعلی، ساده، نسبی، برتر، مفعولی و لیاقتی در صفات پسین، حاکی از دقت و تنوع در گزینش و چینش این واژه‌هاست. این امر بیانگر آن است که دهلوی با اشراف کامل بر امکانات دستور زبان، ساختاری منسجم برای بیان روایت و تصویرگری فراهم کرده است.

در حوزه بلاغت، صفات بیش از آنکه صرفاً همراه موصوف بیایند، نقش فعالی در ساخت آرایه‌های ادبی برعهده دارند. بیشترین بسامد به صفات با کارکرد تشبیهی اختصاص یافته که زمینه‌ساز برجسته‌سازی جزئیات بصری و حسی و ایجاد فضا سازی شاعرانه است. پس از آن، صفات استعاری با آفرینش ابهام و پیچیدگی معنایی، کنایه‌ها با لایه‌مندی مفهومی و تلمیح‌ها با پیوند به متون و روایات فرهنگی، جلوه‌ای خاص به کلام بخشیده‌اند. جناس و نغمه‌آرایی در سطح صفت، علاوه بر غنای موسیقایی، به همبستگی صوت و معنا یاری رسانده و

پارادوکس‌ها و تنسیق‌الصفات، قدرت تضادآفرینی و تصویرگری را دوچندان کرده‌اند. حتی حس‌آمیزی‌های محدود نیز نشان می‌دهد که شاعر چگونه قلمروهای حسی متفاوت را در یک صفت به هم پیوند می‌زند.

جمع‌بندی این یافته‌ها حاکی از آن است که صفت در «هشت‌بهشت» نه یک عنصر فرعی، بلکه یکی از ارکان اصلی زبان شاعرانه دهلوی است. این صفات؛ به‌ویژه در قالب بلاغی، موجب تشخیص سبکی و تمایز اثر از نمونه‌های تقلیدی مشابه شده‌اند. درواقع، صفت در این منظومه نقش پلی میان دستور زبان و بلاغت را ایفا می‌کند؛ از سویی به انسجام و وضوح بیان یاری می‌رساند و از سوی دیگر با خلق آرایه‌های هنری، روحی تازه در کالبد کلام می‌دمد. به همین دلیل می‌توان گفت که در تحلیل سبک‌شناسی آثار دهلوی، بی‌توجهی به لایه بلاغی صفات، تصویری ناقص از هنر او ارائه خواهد داد. این پژوهش نشان داد که شگردهای بلاغی مرتبط با صفت، علاوه بر این که به غنای تصویری و موسیقایی شعر کمک می‌کند، پیام و مضمون را نیز به شیوه‌ای هنرمندانه و ماندگار به مخاطب منتقل می‌سازد.

### تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

### References

#### Books:

1. Anvari, H., & Ahmadi Givi, H. (2010). *Dastur-e zabān-e fārsi 2* [Persian grammar 2]. Fatemi.
2. Bateni, M. (1969). *Tavsif-e sākhmān-e zabān-e fārsi: Bar bonyād-e yek nāzariyyeh-ye 'umūmi-ye zabān* [Description of the structure of the Persian language: Based on a general theory of language]. Amir Kabir.
3. Pournamdarian, M. T. (1995). *Safar dar meh* [Journey in fog]. Elmi va Farhangi Publishing Company.
4. Khatibi, H. (1987). *Fan-e nasr dar adab-e fārsi* [The art of prose in Persian literature]. Zowwar.
5. Khayyampour, A. (2005). *Dastur-e zabān-e fārsi* [Persian grammar] (14th ed.). Sotudeh.
6. Dehlavi, A. K. (1983). *Hasht behesht* [Eight paradises] (A. A. Ashrafi, Ed.). Shqaqh.
7. Raduyani, M. b. O. (2001). *Tarjumān al-balāghah* [The interpreter of rhetoric] (A. Atash, Ed.). Iranian Cultural Heritage Organization.
8. Shariat, M. J. (1988). *Dastur-e zabān-e fārsi* [Persian grammar] (3rd ed.). Asatir.

۹. Shafi'i Kadkani, M. R. (2017). *In kimiya-ye hasti* [This alchemy of existence]. Sokhan.
  ۱۰. Shafi'i Kadkani, M. R. (2007). *Surat-e khiyāl dar she'r-e fārsi* [Imagery in Persian poetry]. Agah.
  ۱۱. Shafi'i Kadkani, M. R. (2010). *Musiqi-ye she'r* [The music of poetry]. Oqran-e Zaman.
  ۱۲. Shamsa, S. (1991). *Bayān* [Eloquence]. Sokhan.
  ۱۳. Shamsa, S. (1989). *Negāhi-ye tāzeh be badi'* [A new look at rhetoric] (1st ed.). Ferdows.
  ۱۴. Fotuhi, M. (2006). *Balāghat-e tasvir* [The rhetoric of imagery]. Sokhan.
  ۱۵. Farshidvard, K. (1995). *Darbāreh-ye adabiyāt va naqd-e adabi* [About literature and literary criticism] (Vol. 1). Amir Kabir.
  ۱۶. Homayi, J. D. (2010). *Ma'āni va bayān* [Meanings and expression]. Homa.
  ۱۷. Vahidian Kamyar, T., & Omrani, G. R. (2020). *Dastur-e zabān-e fārsi 1* [Persian grammar 1]. Samt.
- Journal Articles:**
۱۸. Hosseinpour Sarkarizi, A. (2016). [The rhetorical and aesthetic value of the adjective]. *Majalleh-ye Takhassosi-ye Zaban va Adabiyat-e Farsi-ye Vahed-e Mashhad* [Specialized Journal of Persian Language and Literature, Mashhad Unit], 12(7), 155–172.
  ۱۹. Zabihnia, A. (2019). [The ideal and ethereal woman in the romantic poem Hasht Behesht by Amir Khusraw Dehlavi]. *Zan va Farhang* [Woman and Culture], 10(39), 7–16.
  ۲۰. Ghanipur Malekshah, A., et al. (2010). [Simile and description: Two stylistic features of Ebtihaj's poetry]. *Naqd-e Adabi va Sabkshenasi* [Literary Criticism and Stylistics], (2), 73–93. (Note: "et al." is used as the original lists "va hamgaran" [and colleagues])
  ۲۱. Fattahi, S., Purnian, M., & Salimian, G. R. (2019). [Poetic adjectives: The hidden art in Bayhaqi's history]. *Funun-e Adabi* [Literary Arts], (28), 83–96.
  ۲۲. Qabadi Yavari, A., & Eskandari, M. (2014). [Investigating the rhetorical functions of the active participle adjective in Sa'di's Gulistan]. *Hamayesh-e Beynolmelali-ye Anjoman-e Tarviji-e Zaban va Adab-e Farsi* [International Conference of the Society for the Promotion of Persian Language and Literature], (8), 1–9.
  ۲۳. Yalmeha, A. R., & Zabihnia, A. (2018). [Investigation and analysis of didactic themes in the romantic poem Hasht Behesht]. *Pazhuheshnameh-ye Adabiyat-e Ta'limi* [Journal of Didactic Literature], 10(37), 59–86.
  ۲۴. Setudeh, A., & Pakdel, M. (2021). [A comparative analysis of female characterization in Nizami's Haft Paykar and Amir Khusraw Dehlavi's Hasht Behesht]. *Motale'at-e Dastani* [Narrative Studies], 7(20), 39–48.
- Thesis:**
۲۵. Rashvand, F. (2019). *Barrasi-ye bāvarhā-ye 'āmiyāneh dar Hasht Behesht-e Amir Khusraw Dehlavi* [An investigation of popular beliefs in Amir Khusraw Dehlavi's Hasht Behesht] [Unpublished master's thesis, Payame Noor University].